

تبیین نگرش کنشگران فعال در عرصه مدیریت مراتع نسبت به انگاره‌های مدیریت تلفیقی توسعه پایدار مراتع و تحلیل عوامل مؤثر بر آن

غلامحسین حسینی نیا*

دکتر ایرج ملک محمدی**

چکیده

در این تحقیق نگرش کنشگران مدیریت عرصه‌های منابع طبیعی نسبت به انگاره‌های مدیریت توسعه مراتع و میزان تفاهم آنها در این خصوص با تأمل بر عوامل مؤثر بر آن بررسی شده است. این تحقیق از نوع کاربردی غیر تجربی و پس‌رویدادی می‌باشد که به روش پیمایش عمیق (In depth survey) انجام شده است. جامعه آماری مورد بررسی شامل کلیه محققان (۱۱۰ نفر)، کارگزاران اجرایی (۱۳۵ نفر) و کارگزاران ترویجی (۸۹ نفر) فعال در مدیریت عرصه‌های مرتعی در سطح کشور می‌باشد که از بین آنها به ترتیب ۴۷، ۴۹ و ۵۱ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. نتایج تحقیق حاضر نشان دهنده آن است که کنشگران مورد مطالعه در دو زیر نظام اجتماعی و فنی مدیریت جامع توسعه پایدار مراتع با یکدیگر اختلاف نظر معناداری ندارند لیکن در دو زیر نظام طبیعی و زیر نظام سیاسی - مدیریتی با یکدیگر تفاوت نظر معناداری دارند که همین امر سبب شده از نگرش کلی یکسانی نسبت به مدیریت جامع توسعه پایدار برخوردار نباشند. همچنین کنشگران در هر سه زیر شبکه با وجود گرایش کلی به انگاره نوین مدیریت جامع توسعه پایدار مراتع، هیچکدام، انگاره سنتی مدیریت توسعه مراتع نیز به طور کامل نفی نکرده و قایل به نوعی انگاره در حال گذار از انگاره سنتی به انگاره نوین می‌باشند. همچنین در تحلیل رگرسیون چند متغیری متغیرهای سن، سابقه کار اداری (بیشترین تأثیر مثبت)،

*- دانشجوی دکتری ترویج کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

** - استاد دانشگاه تهران

ارزیابی توان کارگزاران اجرایی؛ ارزیابی توان بهره برداران؛ میانگین نگرش نسبت به کارگزاران اجرایی؛ میزان اعتقاد به تأثیر عامل «کنشگری میدانی»؛ در دستیابی به اهداف مدیریت جامع توسعه پایدار مراتع، کل کارگزاران ترویجی موجود در شبکه فردی کنشگران و میزان اعتقاد به عامل «جو ارتباطی مطلوب برای کنشگری اداری» به ترتیب با بیشترین مقدار تأثیر بر متغیر وابسته، بر روی هم بیش از ۶۷ درصد تغییرات نگرش نسبت به مدیریت جامع توسعه پایدار مراتع را تبیین می کنند.

واژه های کلیدی: نگرش، مدیریت توسعه پایدار، مدیریت تلفیقی منابع

مقدمه

شاید تاریخ برای بررسی میزان پیشرفت بشریت در قرن بیست و یکم تنها با یک پرسش اساسی برمسند قضاوت بنشیند: "انسان‌ها برای پایدارسازی توسعه و توسعه پایدار حیات خود و نسل‌های آتی چه کرده‌اند؟" طرح چنین پرسشی در شرایط کنونی - که حیات، جنگل‌ها و مراتع به دلیل استفاده غیرمنطقی و خارج از اصول پایداری از آنها به گونه ناامیدکننده‌ای تهدید می‌شود - بجا و شایسته می‌نماید. واضح است که اکنون دامنه بحران تخریب و انهدام جنگل‌ها و مراتع و دیگر ذخایر حیاتی کره زمین از حدمحلی، منطقه‌ای و ملی فراتر رفته و به مسئله‌ای بفرنج و جهانی تبدیل شده است. بی‌شک امروز تأمل و تعمق در علل و اسباب چنین وضعیتی و تلاش در جهت رفع آن می‌بایست در رأس تمامی فعالیت‌های بشرقرار گیرد تا بدین وسیله ادامه حیات خود و نسل‌های آتی - که کوتاهی پیشینیان خود در این زمینه را نخواهند بخشید - میسر و میسر شود. در این خصوص مباحث مربوط به نحوه مدیریت امور حفاظت، احیا و بهره‌برداری اصولی که ارکان پایداری توسعه منابع طبیعی را تشکیل می‌دهند، همیشه در محک نقادانه اندیشمندان متعهد، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند.

امروزه صاحب نظران دستیابی به توسعه پایدار در عرصه منابع طبیعی را مستلزم و در گرو به کارگیری رهیافت "مدیریت جامع" بر مبنای مدیریت متعامل و مشارکتی در منابع طبیعی^۱ می‌دانند. این نوع مدیریت موقعیتی را پدید می‌آورد که طی آن کنشگران فعال در عرصه منابع طبیعی (بهره‌گیران، مروجان، محققان و کارگزاران اجرایی) بادر نظریه‌گیری ابعاد مختلف توسعه و با ایجاد شرایط گفتمان به تشخیص و تسهیم نقش‌های کارکردی مدیریت توسعه پایدار منابع طبیعی و تضمین آن از طریق تسهیم منافع و مسئولیت‌ها می‌پردازند.

1- Integrated Resource Management (IRM)

2- Co-Management of Natural Resource

جاری ساختن این نوع مدیریت قبل از هر چیز نیازمند ایجاد تفاهم بین کنشگران^۳ فعال در عرصه مدیریت مراتع می‌باشد تا بر اساس تفاهم و درک متقابل ایجاد شده از این طریق به اثربخشی و بهره‌وری بالاتر در این بخش دست یافت. چرا که امروزه مهمترین مشکلات مدیریت توسعه پایدار منابع طبیعی را نه در حیطه فن‌آوری و سخت افزار مدیریتی، بلکه باید در قلمرو کنشگران این نظام جستجو نمود. «هرسی» و «بلانچارد» بر این اعتقادند که «بسیاری از حساس‌ترین مشکلات ما، نه در حیطه پدیده‌ها، بلکه در قلمرو انسان‌هاست. بزرگترین درماندگی انسان، ناتوانی در دستیابی به همکاری و تفاهم با دیگران است.» (هرسی ۱۳۷۷ ص ۱۱)

در این تحقیق نگرش کنشگران مدیریت عرصه‌های منابع طبیعی نسبت به انگاره‌های مدیریت توسعه مراتع و میزان تفاهم آنها در این خصوص با تأمل بر عوامل مؤثر بر آن به نقد و بحث علمی گذارده شده است.

مدیریت تلفیقی منابع طبیعی

انگاره نوظهور مدیریت تلفیقی منابع، رهیافتی بسیار انعطاف پذیر و انطباق پذیر برای مشخص ساختن عدم‌تعیین، پیچیدگی و ارتباطات داخلی مربوط به نظام‌های منابع طبیعی و مدیریت انسانی می‌باشد. البته عملی‌ساختن این مفهوم مشکلات زیادی را در پی دارد. چرا که بهبود وضعیت منابع طبیعی کنونی، به چشم‌انداز طولانی‌مدت مدیریت نیازمند است. مدیریت تلفیقی منابع یک مفهوم توسعه یافته است که فاقد یک چارچوب تعریف شده مشخص برای کاربرد جهان شمول می‌باشد. پیش فرض اساسی این است که رهیافت‌های مدیریت تلفیقی منابع به طور کارایی مدیریت بهتر منابع آب و خاک ما که به طور نظام یافته مشخص نشده‌اند، فراهم می‌کند.

در حال حاضر تقاضاها برای مساوات بین نسلی و عدالت اجتماعی برای ما را در کاربرد و مدیریت نظام‌های منابع طبیعی، چالش برانگیز می‌باشند. روند جاری تخریب منابع آبی، مراتع و زمین‌های کشاورزی و توجه به تنوع بیوفیزیکی تنش قابل توجه همگانی و اجتماعی به‌وجود آورده است. در این زمینه انگاره نوظهور «مدیریت تلفیقی منابع» برجایگزینی عناصر مجزا و متنوع که از خود کنش و واکنش نشان می‌دهند با اجزای هماهنگ و یکپارچه دارای تعاملات متقابل تأکید دارد و از طریق رهیافت‌های تلفیقی، ناظر بر انعکاس پیچیدگی‌ها و پیوندهای درونی منابع و نظام‌های انسانی در مدیریت منابع طبیعی می‌باشد. بر این اساس این انگاره در درک فزاینده پیوندهای علی نقش اساسی دارد. (Bellam 1999)

۳- کنشگر به هر عامل در شبکه اطلاق می‌شود گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم (۱۳۷۹) کنشگر را اینچنین تعریف کرده است «شخصی که ایفاگر نقشی در نظامی مانند نظام دانش و اطلاعات کشاورزی است». در تحقیق حاضر منظور از کنشگران، بهره‌برداران، مروجان، محققان و کارگزاران اجرایی، کارشناسان دفتر فنی مرتع در دفتر مرکزی و اداره مرتع در استان‌ها می‌باشند.

جدول شماره (۱) مقایسه‌ای از ویژگی‌های تیپیکال انگاره‌های «ستی» و نوظهور «مدیریت تلفیقی منابع» را فراهم می‌کند. انگاره نوظهور مدیریت تلفیقی پایه‌های لازم برای تجزیه و تحلیل یا بهبود مسائل مدیریت منابع طبیعی را فراهم می‌کند

جدول (۱) مقایسه ویژگی‌های تیپیکال انگاره‌های «ستی» و نوظهور «مدیریت تلفیقی منابع»

انگاره نوظهور (مدیریت تلفیقی)	انگاره ستی	نوع نظام
<p>- مدیریت اکوسیستم: نگهداری شرایط منابع و پایداری طولانی روابط اکولوژیکی در نظامهای پیچیده درگیر</p> <p>- توسعه اکوسیستم به وسیله تغییرات طولانی مدت یا تعدادی از مسیرهای متفاوت قابل دسترس، غیر قابل پیشبینی، ناپیوسته، غیر خطی، خود سامانده و خواص چند ارزشی مشخص شده است.</p> <p>- توجهات زیست محیطی (بقای تنوع زیستی....) به منابه اهداف مدیریت منابع</p> <p>- مدیریت کل گرا منابع و نظامهای انسانی مشتمل بر مدیریت off-reserve و بقای تنوع زیستی</p> <p>- تجارب عالی مدیریت مبتنی بر ارزیابی trade-offs زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی</p> <p>- مدیریت متمرکز بر چشم انداز ناحیه‌ای</p> <p>- استفاده چند گانه از منابع طبیعی بر حسب ارزش‌های زیست محیطی، اجتماعی و فرهنگی</p>	<p>عملکرد پایدار: ماکزیمم سازی تولید از یک منبع تنها و به کارگیری آن برای توسعه اقتصادی</p> <p>توسعه اکو سیستم بوسیله موفقیت اکولوژیکی با وضعیت ثابت متعادل از قبیل قابل پیشبینی بودن، پویایی علی - خطی</p> <p>توجهات محیطی نظر حفاظت محیط، فرسایش خاک به منابه محدودیتهایی در حد اکثر سازی برون داد</p> <p>حفاظت از منابع فردی و (نظیر خاک زراعی) و نگهداری از منابع طبیعی در یک نظام اختصاصی Reserve system</p> <p>تجارب بهتر مبتنی بر مدل‌های بهینه سازی</p> <p>- مدیریت متمرکز بر مقیاس قطعات زمین</p> <p>- استفاده از یک قطعه از زمین بر حسب ارزش‌های تولیدی</p>	طبیعی
<p>- مشارکت عمومی و تصمیم گیری جمعی، استراتژی توسعه به منابه یک فرایند پویا</p> <p>- پیوندهای رسمی و غیر رسمی نهادها، ساختارهای هماهنگ غیر متمرکز</p> <p>- سازمانهای یادگیرنده، انتباقات ساختاری به روز و تغییر در نهاده‌ها و سازمانها، سیاستهای انطباق پذیر و انعطاف پذیر</p>	<p>- تحلیل استراتژیک و برنامه ریزی مدیران به منابه کارشناسان بی طرف</p> <p>- تعدد موسسات عمومی، مسئولیتهای مقطعی و بخشی</p> <p>- رهیافت متمرکز دستورالعمل گونه، فرایند متناوب برنامه ریزی، اجرا و کنترل خود تنظیمی</p>	سیاسی مدیریتی

<p>- مدیریت انطباق پذیر، متمرکز بر تعادل و عدالت اجتماعی</p> <p>- استفاده مفهومی از اطلاعات در فرایندهای تصمیم گیری که بوسیله توجهات سیاسی احاطه شده است.</p> <p>- وابستگیهای زمینه ای : چشم انداز مدیریت منابع دامنه وسیعی از معانی فردی و گروههای اجتماعی دارند که تاریخچه فرهنگی و ارزش‌های مکتبی را پیوند می دهد.</p>	<p>- رفتار عقلایی، متمرکز بر بقای سودمندی</p> <p>- استفاده اساسی و غالب از اطلاعات تکنیکی در یک فرایند تصمیم گیری عقلایی</p> <p>- فراغت از زمینه (بدون در نظر گرفتن زمینه)، توزیع فاصله ای و مادی کالاهای سرمایه‌ای صرف نظر از محور انسانی و زمینه فرهنگی</p>	اجتماعی
<p>- مبتنی بر فرایند مشارکتی R&D مشتمل بر یک تیم چند رشته‌ای از علوم بیو فیزیکال، اقتصادی و اجتماعی در مشارکت بهره برداران</p> <p>- دانشمندان به مثابه یک مشارکت کننده در فرایند</p> <p>- تمرکز بین رشته‌ای بر نمونه گیری طولانی مدت و CROSS-SCALE</p> <p>تکنولوژی به مثابه محصول انسانها، یک ساختار اجتماعی که دانش محلی و علمی را تلفیق می کند</p> <p>فرایند تعامل متمرکز بر یادگیری از طریق تسهیلگری (در سطح فرد، سازمان و سیاست)، انطباق پذیر و تکرار پذیر</p>	<p>- مبتنی بر علوم جزئی نگر، تحقیقات، تجربه کنترل شده</p> <p>- دانشمندان تک رشته‌ای به مثابه متخصصان بی طرف</p> <p>- نمونه گیری کوتاه مدت و بی طرف</p> <p>- فن‌آوری و فرایند مستقل، محصولی از دانش عینی و عقلایی</p> <p>- فرایند ارتباطات متمرکز بر تدریس، مدل خطی انتقال تکنولوژی</p>	فن‌آوری

ویژگی‌های این اجزا از پیچیدگی و غنای مفهوم مدیریت تلفیقی منابع متأثر می‌باشد. امروزه صاحب‌نظران به‌طور وسیعی از مدیریت تلفیقی به عنوان گزیدار برتر در مدیریت توسعه پایدار منابع نام می‌برند. به عنوان مثال Cvanclay & Lawrence 1995, (Mitchel) Borrini(2000) ,1994),(Fontowrz & Ravet ,1990) (Margerum & Long (1990), Armitag(1995) , Tylor & Holck ,1993), Scott (1997), (1997), (1998), Farvar(1999), holing(1986) Agrawal

رابطه انسان و طبیعت را در چارچوب مدیریت تلفیقی منابع مطرح می‌کنند. آنها همچنین با بیان اینکه تعامل بین مردم و محیط بخشی از طبیعت است و نباید آنها را از هم جدا کنیم، پیوند بین نظام منابع طبیعی را خاطر نشان و رهیافت عملیاتی مدیریت مشارکتی برای عملیاتی ساختن ایده مدیریت تلفیقی پیشنهاد می‌کنند.

مدیریت مشارکتی در مرتعداری

مدیریت مشارکتی نگرشی نوین در مباحث مدیریت منابع طبیعی است که پس از تجربه رهیافت‌ها و راهبردهای یک سویه، از بالا به پایین، آمرانه، متمرکز و عدم نتیجه‌گیری شایسته از این راهبردها، به عنوان یک ضرورت و نیاز و گاه به‌عنوان تنها راه حل باقیمانده مطرح گردید. در منابع

لاتین معادل «مدیریت مشارکتی» واژه‌های Participatory, Joint, Collaborative, Co-management Mixed, Lound-Table Management, Multi Party به کار رفته است. (Borrini 2000) مدیریت مشارکتی را موقعیتی می‌داند که طی آن دو یا چند کنشگر اجتماعی، با گفت‌وگو به تعریف، تسهیم نقش‌ها و کارکردهای مدیریتی، اختیارات و مسئولیت‌ها و تضمین آنها در بین خودشان در خصوص یک عرصه، ناحیه یا مجموعه‌ای از منابع طبیعی در دسترس می‌پردازند مدیریت مشارکتی واجد ویژگی‌های زیر می‌باشد:

رهیافتی است جمع‌گرا (پلورالیست) در مدیریت منابع طبیعی، یکی سازی، یک گونه از مشارکت کنندگان در تنوعی از نقش‌ها، عموماً در اهداف نهایی حفاظت محیط زیست، استفاده پایدار از منابع طبیعی و تسهیم متعادل مسئولیت‌ها و منافع حاصل از منابع. یک فرایند سیاسی و فرهنگی در جستجوی "عدالت اجتماعی" و "دموکراسی" در مدیریت منابع طبیعی است. فرایندی است که برای بسط آن نیاز به یک سری شرایط پایه است. برخی از این شرایط عبارتند از دسترسی کامل به اطلاعات مربوط به موضوعات و انتخاب‌ها، آزادی و ظرفیت برای ساماندهی، آزادی برای اظهار کردن نیازها و علایق، یک محیط اجتماعی غیر تبعیض آمیز، وجود افراد و شرکایی برای گفت‌وگو، اطمینان از محترم شمردن توافقات.

(Tylor 1998) معتقد است در شرایط متحول کنونی، حفظ، احیا و بهره‌برداری اصولی از عرصه‌های طبیعی (جنگل‌ها و مراتع) مستلزم اتخاذ رویکرد نظام‌مند مناسب، ایجاد بستر عملیاتی هماهنگ، فراگیر، کارآمد و مبتنی بر مشارکت ارادی، آگاهانه، نهادینه و برنامه‌ریزی شده همه کنشگران در قالب مدیریت متعامل و مشارکتی (Co management) عرصه‌های مزبور می‌باشد. اما واقعیت آن است که مشارکت یکی از مشکلترین و بحث‌انگیزترین موضوعات در زمینه توسعه است. چرا که مشارکت جزء جدانشدنی از توزیع مجدد قدرت سیاسی و اقتصادی و روند توسعه بوده و بنابراین، مورد قضاوت‌های ارزشی قرار گرفته است. در این میان مدیریت مشارکتی یک رهیافت جمع‌گرا روی تشخیص، درک و دربرگیری کنشگران متعدد، علایق، خواست‌ها و ارزش‌هایی که در هر جامعه وجود دارد و به همراه احترام به هر موضوع احتمالی متمرکز می‌باشد.

- مدیریت مشارکتی نگرشی نوین بر واقعیتی دیرین است که پس از تجربه ناموفق رهیافت‌ها و راهبردهایی که بر محورهای جدای از مشارکت واقعی مردم در امور سعی در اداره امور منابع طبیعی داشته‌اند، مجدداً مورد توجه قرار گرفته است.

- مدیریت مشارکتی بر اصل قدیمی "انتفاع عادلانه مشارکت کنندگان" در فرایند مشارکت تأکید دارد. لذا در یک دیدگاه جمع‌گرایانه علایق و سلیق کلیه افراد و گروه‌های درگیر در مشارکت را مدنظر قرار می‌دهد. مدیریت مشارکتی در منابع طبیعی بر مفاهیم و رهیافت‌هایی استوار است که

هر کدام به ابعاد خاصی از موضوع اشاره و تأکید دارند. در این مفهوم، مدیریت مشارکتی به مفهوم مدیریت تلفیقی منابع^۱ نزدیک می‌شود. این نوع مدیریت را می‌توان فراز تکامل یافته‌ای از مدیریت مشارکتی دانست که با درک برخی واقعیات موجود در دنیای واقعی، با در نظرگیری و تلفیق ابعاد مختلف قضیه، سعی در کاربردی‌تر کردن و عینیت دادن به فرایند مدیریت مشارکتی دارد. بر این اساس آنچه اهمیت می‌یابد ایجاد تفاهم بین کنشگران درگیر در این فرایند می‌باشد که در این تحقیق بدان پرداخته شده است.

هدف‌های تحقیق

هدف‌هایی که در این تحقیق دنبال می‌شوند به طور متعارف در دو گروه به شرح زیر تقسیم می‌شوند:

هدف کلی: هدف کلی تحقیق حاضر عبارت از شناخت نگرش کنشگران فعال در عرصه مدیریت مراتع نسبت به انگاره‌های مدیریت توسعه مراتع و تبیین عوامل مؤثر بر آن

هدف‌های اختصاصی: هدف‌های اختصاصی ای که نهایتاً به تحقق هدف عام فوق منجر می‌گردد، عبارتند از:

الف) شناخت ابعاد و مفاهیم مدیریت تعاملی و مشارکتی

۱- مفاهیم و مبانی تعامل و مشارکت

۲- جایگاه مدیریت تعاملی و مشارکتی در ترویج منابع طبیعی

ب) معرفی کنشگران عرصه مدیریت مراتع

۱- شناخت نگرش کنشگران فعال در عرصه مدیریت مراتع

۲- تفاهم‌سنجی بین کنشگران شبکه مدیریت نسبت به توسعه پایدار مراتع

۳- تعیین سازه‌های مؤثر بر نگرش کنشگران نسبت به توسعه پایدار

۴- تحلیل مسیر سازه‌های مؤثر در کنشگری ترویج برای توسعه پایدار مراتع

۵- ارائه راهکارهای عملی مبتنی بر نتایج تحقیق

نوع تحقیق

از دیدگاه طبقه بندی تحقیقات بر مبنای هدف، تحقیق حاضر از نوع تحقیقات کاربردی می‌باشد. از دیدگاه دیگر تحقیق حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی می‌باشد. توصیفی است از آن جهت که سعی در توصیف نگرش

کنشگران نسبت به توسعه پایدار مراتع می‌پردازد و تحلیلی است از این نظر که تحلیل روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته و تحلیل مسیر روابط فوق می‌پردازد. تحقیق حاضر از حیث امکان کنترل متغیرها، به دلیل عدم امکان چنین امری از نوع تحقیقات غیر تجربی بوده و بر حسب زمان وقوع زمینه تحقیق از نوع تحقیقات پس رویدادی است.

متغیر های تحقیق

الف-متغیر وابسته: «نگرش نسبت به مدیریت تلفیقی^۱ توسعه پایدار مراتع»:

این متغیر در چهار زیر نظام (یا سطح) به شرح زیر معرفی می‌شود. زیر نظام‌ها و معرف‌های ارائه شده از ویژگی‌های انگاره نوین مدیریت تلفیقی منابع طبیعی استخراج شده اند.

۱- زیر نظام طبیعی

- حفاظت طبیعی پایدار مراتع و پایداری روابط اکولوژیکی در مرتع
- توسعه اکو سیستم از طریق فرایند اکولوژیکی غیر خطی و خود سامانده
- ملاحظات زیست محیطی به مثابه اهداف مدیریت منابع
- استفاده چند منظوره از منابع طبیعی بر حسب ارزش‌های زیست محیطی، اجتماعی و فرهنگی

۲- زیر نظام مدیریتی

- مشارکت عمومی و تصمیم‌گیری جمعی، تدوین راهبرد توسعه به مثابه فرایندی پویا
- پیوندهای رسمی و غیر رسمی بین نهادها، ساختارهای هماهنگ غیر متمرکز
- سازمان‌های یادگیرنده، سیاست‌ها و دستورالعمل‌های انعطاف پذیر و انطباق پذیر

۳- زیر نظام اجتماعی

- مدیریت انطباق پذیر مبتنی بر تعادل و عدالت اجتماعی
- استفاده مفهومی از اطلاعات در فرایندهای تصمیم‌گیری، متاثر از ملاحظات سیاسی

۴- زیر نظام فن‌آوری

- مبتنی بر فرایند تحقیق و توسعه مشارکتی مشتمل بر یک تیم چند رشته‌ای متشکل از متخصصان علوم مختلف به همراه بهره برداران

- نقش متعامل کارشناسان در فرایند تحقیق با سایر کنشگران

فن‌آوری به مثابه یک ساختار اجتماعی که دانش محلی و علمی را در هم تلفیق می‌کند

ب:متغیرهای مستقل

به دلیل استفاده از متغیر های مستقل در تحلیل رگرسیونی این متغیر ها در مبحث مربوط به رگرسیون آورده شده است.

فرضیه های تحقیق

- ۱- بین میانگین رتبه‌ای نگرش کنشگران مختلف نسبت به زیرنظام طبیعی مدیریت توسعه پایدار
 مراتع تفاوت معنی‌داری وجود دارد. $H_0: \mu_1 = \mu_2 = \mu_3$ $H_1: \mu_1 \neq \mu_2 \neq \mu_3$
- ۲- بین میانگین رتبه‌ای نگرش کنشگران مختلف نسبت به زیرنظام مدیریتی سیاسی توسعه پایدار مراتع تفاوت معنی‌داری وجود دارد. $H_0: \mu_1 = \mu_2 = \mu_3$ $H_1: \mu_1 \neq \mu_2 \neq \mu_3$
- ۳- بین میانگین رتبه‌ای نگرش کنشگران مختلف نسبت به زیرنظام اجتماعی مدیریت توسعه پایدار مراتع تفاوت معنی‌داری وجود دارد. $H_0: \mu_1 = \mu_2 = \mu_3$ $H_1: \mu_1 \neq \mu_2 \neq \mu_3$
- ۴- بین میانگین رتبه‌ای نگرش کنشگران مختلف نسبت به زیرنظام فناوری مدیریت توسعه پایدار مراتع تفاوت معنی‌داری وجود دارد. $H_0: \mu_1 = \mu_2 = \mu_3$ $H_1: \mu_1 \neq \mu_2 \neq \mu_3$

جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه کل در این تحقیق شامل ۳۳۴ نفر کنشگران فعال در مدیریت عرصه‌های مرتعی در سطح دفتر مرکزی و استان‌های کشور شامل ۱۱۰ نفر محقق و ۱۳۵ نفر کارگزار اجرایی و ۸۹ نفر کارگزار ترویج است. که با استفاده با از فرمول کوکران به ترتیب ۵۳،۶۳ و ۶۷ نمونه تعیین و به روش تصادفی ساده انتخاب شدند.

روش جمع‌آوری اطلاعات

در این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات از روش‌های مختلفی همچون مطالعه اسنادی، جستجو در شبکه اینترنت و بانک‌های اطلاعاتی برای دستیابی به اطلاعات بخش نظری و مشاهده و مصاحبه برای جمع‌آوری اطلاعات میدانی استفاده گردیده است. وسیله اصلی مورد استفاده در این تحقیق پرسش‌نامه می‌باشد.

روایی و پایایی پرسشنامه

در این تحقیق برای تعیین روایی پرسشنامه از روش روایی شکلی و محتوایی استفاده شده است. بدین معنی که با ارائه آن به صاحب‌نظران و متخصصان، نظرات آنها در خصوص روایی شکلی پرسشنامه اخذ شد. همچنین در مرحله پیش‌آزمون نیز نسبت به بررسی روایی محتوایی پرسشنامه اقدام شد. اصلاحات شکلی برای مفهوم سازی جملات و عبارات و اصلاحات محتوایی برای سنجش ارتباط پرسش‌ها با هدف‌های تحقیق انجام شد.

برای تعیین پایایی پرسش‌نامه‌ها از ضریب آلفای کرونباخ (فرمول زیر) استفاده شد

$$Alfa = \left(\frac{n}{n-1}\right) \left(\frac{\sum_{i=1}^n s_i^2}{st^2}\right)$$

برای هر قسمت از هر پرسشنامه به طور جداگانه اقدام به محاسبه ضریب پایایی شد و نتایج حاضر به شرح زیر به دست آمد.

- ۱- نگرش محققان نسبت پیرامون معرف های زیر نظام مدیریت توسعه پایدار ($\alpha = .709$)
- ۲- نگرش کارگزاران اجرایی نسبت پیرامون معرف های زیر نظام مدیریت توسعه پایدار ($\alpha = .713$)
- ۳- نگرش کارگزاران ترویجی نسبت پیرامون معرف های زیر نظام مدیریت توسعه پایدار ($\alpha = .848$)
- ۴- نگرش کلی کنشگران نسبت پیرامون معرف های زیر نظام مدیریت توسعه پایدار ($\alpha = .75$)

روش داده پردازی

با توجه به نوع تحقیق در مرحله توصیفی ابتدا از آمار توصیفی شامل فراوانی (مطلق و تراکمی) شاخص های گرایش به مرکز (میانگین، نما، میانه) و پراکندگی (واریانس و انحراف معیار) در مورد هر یک از متغیرهای تحقیق استفاده شد. در مرحله تبیین ارتباط متغیرها و علل تغییرات و نقش متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از آمار استنباطی نظیر آزمون تجزیه واریانس استفاده شد. برای بررسی تأثیر جمعی متغیرهای مستقل بر وابسته از رگرسیون چند متغیری، و برای بررسی اثرات مستقیم و غیر مستقیم هر متغیر مستقل بر متغیر وابسته از روش تحلیل مسیر استفاده موارد فوق با استفاده از نرم افزار PATH2 صورت گرفته است

نتایج

۱- نظرات محققان پیرامون معرف های انگاره های مدیریت توسعه پایدار

در جدول شماره (۲) نظرات محققان پیرامون معرف های زیر نظام های مدیریت توسعه پایدار مراتع آمده است

الف) زیر نظام طبیعی

چنانچه در جدول ملاحظه می شود ۹۴/۲ درصد محققان با گویه «تلاش در حفظ شرایط پایدار مراتع و پایداری روابط اکولوژیکی در مراتع» به عنوان معرف انگاره نوین مدیریت تلفیقی در این زیر نظام موافق و کاملاً موافقت در حالی که در معرف هم نسخ در انگاره سنتی یعنی «ماکزیم سازی تولید از مراتع در راستای اهداف اقتصادی» این میزان موافقت به ۴۴/۲ درصد کاهش یافته است.

جدول (۲): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان موافقت با معرف‌های زیرنظام‌های نظام مدیریت توسعه پایدار

اولویت	انحراف معیار	میانگین	خیلی زیاد	زیاد	ناحدهی	کم	خیلی کم	متغیر
۱	۰/۶	۴/۵۳	۵۹/۶	۳۴/۶	۵/۸	۰	۰	تلاش در حفظ شرایط پایدار مراتع و پایداری روابط اکولوژیکی در مراتع
۲	۰/۶۵	۴/۳۶	۴۴/۲	۵۰	۳/۸	۱/۹	۰	مدیریت توسعه پایدار باید مبتنی بر ارزیابی ابعاد زیست محیطی و اجتماعی باشد
۳	۰/۷۶	۳/۹۶	۴/۱	۴۲/۹	۵۱	۲	۱	ارائه فن‌آوری از طریق فرایند تسهیل‌گری (روش‌های مخاطب مدار و مشارکتی)
۴	۰/۸۹	۳/۹	۲۳/۸	۵۳/۸	۱۵/۴	۵/۸	۱/۹	توجهات زیست محیطی نظیر حفاظت خاک به منظور حداکثرسازی برونداد اکوسیستم (حفظ آب و خاک به نیت بهره‌برداری بیشتر)
۵	۰/۸۸	۳/۸۴	۲۱/۶	۴۹	۲۳/۵	۳/۹	۲	مدیریت انطباق پذیر با تأکید بر عدالت اجتماعی
۶	۰/۸۶	۳/۷۵	۱۶/۷	۵۰	۲۷/۱	۴/۲	۲/۱	تمرکززدایی به همراه ایجاد هماهنگی و ارتباط اثربخش بین بخش‌های مختلف سازمان کار
۷	۱/۰۷	۳/۵۷	۱۷/۳	۴۴/۲	۲۳/۱	۹/۶	۵/۸	هدف اصلی توسعه مراتع کاهش فقر و توسعه جامعه انسانی بهره‌بردار است
۸	۰/۶۱	۳/۴۸	۲	۱۰	۲۲	۴۸	۱۸	توزیع منابع سرمایه‌ای بدون در نظرگیری اصل برابری بین افراد ذینفع
۹	۱/۰۳	۳/۳۷	۰	۱۹/۶	۲۹/۶	۳۹/۲	۲۱/۶	فن‌آوری صرفاً حاصل دانش نوین است
۱۰	۱/۱۸	۳/۱۷	۱۵/۴	۲۸/۸	۱۷/۳	۳۴/۶	۳/۸	ماکزیم‌سازی تولید از مراتع در راستای اهداف اقتصادی
۱۱	۰/۶۶	۲/۹۳	۰	۱۶/۷	۶۲/۵	۱۸/۸	۲/۱	ارائه فن‌آوری از طریق مدل خطی انتقال فن‌آوری (روش‌های ترویجی متداول)
۱۲	۱/۰۱	۲/۴۶	۲	۱۶	۲۴	۴۲	۱۶	تعدد مؤسسات درگیر در توسعه پایدار با مسئولیت‌های مقطعی و بخش
۱۳	۰/۹۵	۲/۳	۲۱/۲	۵۹/۶	۱۳/۵	۵/۸	۰	فن‌آوری می‌تواند حاصل تلفیق دانش بومی و نوین در بطن جامعه باشد
۱۴	۱/۰۵	۲/۱	۲	۱۰	۱۸	۳۶	۳۴	هدف اصلی از برنامه‌های مربوط به توسعه مرتع کسب سود بیشتر است
۱۵	۰/۶۸	۱/۶۳	۰	۱/۹	۳/۸	۵۱/۹	۴۲/۳	برنامه ریزی و اجرا و ارزیابی از بالا به پایین بدون در نظرگیری نظرات کارشناسان محلی

همچنین در معرف دیگر این زیرنظام یعنی گویه «مدیریت توسعه پایدار باید مبتنی بر ارزیابی ابعاد زیست محیطی و اجتماعی باشد» که در حوزه انگاره نوین مطرح است ۹۴/۲ درصد اعلام موافقت کرده اند. ضمن آنکه در گویه «توجهات زیست محیطی نظیر حفاظت خاک به منظور حداکثر کردن برونداد سیستم» به عنوان معرف انگاره سنتی ۷۶ درصد موافق بوده اند.

ب) زیرنظام سیاسی - مدیریتی

در معرف های زیرنظام سیاسی - مدیریتی نیز حدود ۸۱ درصد محققان با گویه «برنامه ریزی، اجرا و ارزیابی طرح ها به صورت مشارکتی» به عنوان معرف انگاره نوین موافقت کرده اند. در حالی که در گویه هم نسخه یعنی «برنامه ریزی، اجرا» ارزیابی از بالا به پایین بدون در نظر گیری نظرات کارشناسان محلی «که در انگاره سنتی مطرح است، بیش از ۹۵/۱ درصد اعلام مخالفت کرده اند. در معرف دیگر این زیرنظام یعنی «تمرکززدایی به همراه ایجاد هماهنگی و ارتباط اثربخش بین بخش های مختلف سازمان کار» به عنوان معرف انگاره نوین، ۶۶/۷ درصد اعلام موافقت کرده اند. در حالی که در معرف هم نسخه در انگاره سنتی یعنی «تعدد موسسات درگیر در توسعه پایدار مراتع با مسئولیت های مقطعی و بخشی» ۵۸ درصد اعلام مخالفت صریح کرده اند.

ج) زیرنظام اجتماعی

در زیرنظام اجتماعی نیز گویه «هدف اصلی توسعه مراتع کاهش فقر و توسعه جامعه انسانی بهره بردار است» به عنوان یکی از معرف های انگاره نوین در این زیرنظام مطرح شد که ۶۱/۵ درصد محققان با آن موافق بوده اند. در حالی که در معرف هم نسخه در انگاره سنتی یعنی «هدف اصلی از برنامه های مربوط به توسعه مرتع کسب سود بیشتر است» حدود ۷۰ درصد ابراز مخالفت نموده اند. در دیگر معرف این زیر نظام گویه «مدیریت انطباق پذیر با تأکید بر عدالت اجتماعی» به عنوان معرف انگاره نوین مدنظر قرار گرفت که ۷۰/۶ درصد محققان موافق آن بودند. در حالی که در معرف همتا در انگاره سنتی با گویه «توزیع منابع سرمایه ای بدون در نظرگیری اصل برابری بین افراد ذینفع» تنها ۱۲ درصد موافق و ۶۶ درصد مخالف بوده اند.

د) زیرنظام فناوری

در زیرنظام فناوری نیز دو معرف در هر انگاره مدنظر قرار گرفت. چنانچه ملاحظه می شود با گویه «فن آوری می تواند حاصل از تلفیق دانش بومی و نوین در بطن جامعه باشد» به عنوان معرف انگاره نوین بیش از ۸۰ درصد اعلام موافقت کردند. در حالی که در گویه هم نسخه در انگاره سنتی یعنی «فنی آوری صرفا حاصل دانش نوین است» تنها حدود ۱۹/۶ درصد موافق بودند. همچنین در دیگر معرف این زیرنظام گویه «ارائه فن آوری از طریق فرایند تسهیل گری (روش های مخاطب مدار و مشارکتی)» به عنوان معرف انگاره نوین موافقت بیش از ۸۰ درصد محققان را به خود جلب نمود.

این در حالی است که با گویه «ارائه فن آوری از طریق مدل خطی انتقال تکنولوژی» به عنوان معرف انگاره سنتی تنها ۱۶/۷ درصد اعلام موافقت کرده اند. نهایتاً می‌توان گفت محققان نیز همانند کارگزاران اجرایی و ترویجی به نوعی انگاره در حال گذار متمایل به انگاره نوین مدیریت تلفیقی منابع معتقد می‌باشند. بر اساس محاسبات انجام شده در مجموع ۸۶ درصد محققان نسبت به مدیریت تلفیقی نوین توسعه پایدار نگرش مساعد و ۱۱/۶ درصد نیز نگرش تا حدودی مساعد ابراز داشته اند. شاخص‌های پراکنندگی و گرایش به مرکز (میانگین = ۳/۸۳ انحراف معیار = ۰/۴۳۲) نیز حکایت از همگنی نسبی جامعه محققان از این حیث دارد.

۲- نظرات کارگزاران ترویجی پیرامون معرف‌های انگاره‌های مدیریت توسعه مراتع

در جدول (۳) نظرات کارگزاران ترویجی پیرامون معرف‌های زیرنظام‌های نظام مدیریت توسعه پایدار آمده است. لازم به ذکر است که گویه‌های معرفی به نحوی انتخاب شده اند که در هر جفت از گویه‌های هم‌نسخ یکی معرف انگاره سنتی مدیریت توسعه مراتع و دیگری معرف انگاره نوین مدیریت تلفیقی توسعه پایدار مراتع می‌باشد. بر این اساس چنانچه ملاحظه می‌شود، ۸۴ درصد کارگزاران ترویجی با گویه «تلاش در حفظ شرایط پایدار مراتع و پایداری روابط اکولوژیکی در مراتع» که به عنوان یکی از معرف‌های زیرنظام طبیعی در انگاره نوین انتخاب شده موافقت. در حالی که در معرف هم‌نسخ یعنی «ماکزیمم سازی تولید از مراتع در راستای اهداف اقتصادی» این میزان موافقت به ۴۴ درصد کاهش یافته است. همچنین در معرف دیگر این زیرنظام یعنی گویه «مدیریت توسعه پایدار باید مبتنی بر ارزیابی ابعاد زیست محیطی و اجتماعی باشد» که در حوزه انگاره نوین مطرح است، ۷۴/۲ درصد کارگزاران ترویجی اعلام موافقت نموده، لیکن در گویه «توجهات زیست محیطی نظیر حفاظت خاک به منظور حداکثر سازی برون‌داد سیستم» ۶۱ درصد اعلام موافقت نموده‌اند.

در معرف‌های زیرنظام سیاسی مدیریتی نیز حدود ۷۰ درصد کارگزاران ترویجی با گویه «برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی طرح‌ها به صورت مشارکتی» به عنوان معرف انگاره نوین موافقت کرده‌اند، در حالی که در گویه هم‌نسخ یعنی «برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی از بالا به پایین بدون در نظرگیری نظرات کارشناسان محلی» که در انگاره سنتی مطرح است، بیش از ۶۱ درصد اعلام مخالفت نموده‌اند.

همچنین در معرف دیگر این زیرنظام یعنی «تمرکز زدایی به همراه ایجاد هماهنگی و ارتباط اثربخشی بین بخش‌های مختلف سازمان کار» به عنوان معرف انگاره نوین، ۶۲/۵ درصد کارگزاران ترویج اعلام موافقت نموده‌اند. در حالی که معرف هم‌نسخ در انگاره سنتی یعنی «تعدد مؤسسات درگیر در توسعه پایدار مراتع با مسئولیت‌های مقطعی و بخشی» میزان موافقت به ۲۵ درصد کاهش یافته است.

جدول (۳): توزیع افراد بر حسب میزان موافقت با معرف‌های زیرنظام‌های نظام مدیریت توسعه پایدار مراتع

گوبه	کاملاً مخالفم	مخالفم	نظر منته	موافقم	کاملاً موافقم	میانگین	انحراف معیار
تلاش در حفظ شرایط پایدار مراتع و پایداری روابط اکولوژیکی در مراتع	۹/۵	۶/۳	۰	۴۶	۳۸/۱	۳/۸۳	۱/۲۲
توسعه مراتع با هدف اصلی کاهش فقر و توسعه جامعه انسانی بهره بردار	۳/۱	۲۰	۱۶/۹	۳۸/۵	۲۱/۵	۳/۵۲	۱/۱۱
توجهات زیست محیطی نظیر حفاظت خاک به منظور حداکثر سازی برون‌داد اکوسیستم (حفظ آب و خاک به نیت بهره برداری بیشتر)	۴/۸	۱۴/۵	۱۹/۴	۳۰/۶	۳۰/۶	۳/۶۴	۱/۱۷
به حداکثر رساندن بهره‌وری مراتع در راستای اهداف اقتصادی	۹/۷	۲۹	۱۷/۷	۲۹	۱۴/۶	۳/۰۶	۱/۱۹
برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی طرح‌ها به صورت مشارکتی	۱۲/۷	۹/۵	۷/۹	۴۹/۲	۲۰/۶	۳/۵۳	۱/۲۶
مدیریت توسعه پایدار مبتنی بر ارزیابی ابعاد زیست محیطی و اجتماعی	۶/۵	۹/۷	۱۶/۹	۴۶/۸	۲۷/۴	۳/۷۵	۱/۱۳
برنامه‌ریزی از بالا به پایین بدون در نظرگیری نظرات کارشناسان محلی	۳۰/۸	۳۰/۸	۱۹	۱۶/۹	۴/۶	۲/۳۸	۱/۲۱
توسعه مراتع با هدف اصلی کسب سود بیشتر	۲۵/۴	۴۶	۲۵	۷/۹	۱/۶	۲/۱۶	۰/۹۴
مدیریت انطباق پذیر با تأکید بر عدالت اجتماعی	۳/۱	۴/۷	۲۰/۳	۴۰/۶	۲۶/۶	۳/۸۱	۰/۹۸

۱/۰۹	۳/۵۵	۱۷/۲	۴۰/۳	۳۳/۳	۱۰/۹	۶/۳	تمرکززدایی به همراه ایجاد هماهنگی و ارتباط اثربخش بین بخش‌های مختلف سازمان کار
۱/۰۳	۲/۸۹	۷/۹	۱۹	۴۲/۹	۳۳/۳	۶/۳	فن‌آوری صرفاً حاصل دانش نوین است
۰/۹۹	۳/۲۲	۷/۹	۳۱/۷	۳۱/۷	۹/۵	۷/۹	ارائه فن‌آوری از طریق مدل خطی انتقال فن‌آوری (روش‌های ترویجی متداول)
۱/۰۵	۲/۷۸	۶/۷	۱۸/۳	۱۱/۳	۳۱/۷	۱۱/۷	تعدد مؤسسات درگیر در توسعه پایدار مراتع با مسئولیت‌های مقطعی و بخشی
۰/۹۹	۳/۹۲	۲۹	۵۱/۶	۲۱	۳/۲	۴/۸	فن‌آوری حاصل تلفیق دانش بومی و نوین در بطن جامعه
۱/۰۹	۲/۵۳	۱/۶	۲۲/۶	۱۸	۳۷/۱	۱۷/۷	توزیع منابع سرمایه‌ای بدون در نظرگیری اصل برابری بین افراد ذینفع
۱/۰۱	۳/۶	۱۴/۸	۵۴/۱		۶/۶	۶/۶	ارائه فن‌آوری از طریق فرایند تسهیل‌گری (روش‌های مخاطب مدار و مشارکتی)

در زیرنظام اجتماعی نیز گویه «هدف اصلی توسعه مراتع کاهش فقر و توسعه جامعه انسانی بهره‌بردار است» به عنوان یکی از معرف‌های انگاره نوین در این زیرنظام مطرح شد که ۶۰ درصد کارگزاران ترویج با آن اعلام موافقت کردند. در حالی که در معرف هم‌نسخ در انگاره سنتی یعنی «هدف اصلی از برنامه‌های مربوط به توسعه مراتع کسب سود بیشتر است» ۷۱/۴ درصد اعلام مخالفت صریح نموده‌اند. در دیگر معرف این زیرنظام گویه «مدیریت انطباق پذیر با تأکید بر عدالت اجتماعی» به عنوان معرف انگاره نوین مدنظر قرار گرفت که ۶۷ درصد کارگزاران ترویج با آن اعلام موافقت نمودند. در حالی که در معرف هم‌نسخ در انگاره سنتی با گویه «توزیع منابع سرمایه‌ای بدون در نظرگیری اصل برابری بین افراد ذینفع»، بیش از ۵۴ درصد اعلام مخالفت نموده‌اند.

در زیرنظام فن‌آوری نیز دو معرف در هر انگاره مدنظر قرار گرفت. چنانچه ملاحظه می‌شود، با گویه «فن‌آوری می‌تواند حاصل تلفیق دانش بومی و نوین در بطن جامعه باشد» به عنوان معرف انگاره

نویسنده بیش از ۸۰ درصد اعلام موافقت نموده اند. در حالی که در گویه هم نسخه در انگاره سنتی یعنی «فن آوری صرفاً حاصل دانش نوین است» تنها ۲۶/۹ درصد اعلام موافقت نموده اند. همچنین در دیگر معرف این زیرنظام «ارائه فن آوری از طریق فرایند تسهیل گری (روش های مخاطب مدار و مشارکتی)» به عنوان معرف انگاره نوین بیش از ۶۸ درصد اعلام موافقت کرده اند، در حالی که با گویه «ارائه فن آوری از طریق مدل خطی انتقال تکنولوژی» به عنوان معرف انگاره سنتی تنها ۳۸/۶ درصد اعلام موافقت کرده اند.

نکته قابل توجه آن است که در واقع کارگزاران ترویجی مورد مطالعه در هیچکدام از زیرنظام ها، انگاره سنتی را به طور کامل نفی نکرده و انگاره نوین در همه زیرنظام ها مخالفان یا افرادی با رأی ممتنع داشته است. شاید بتوان گفت که در بررسی زیرنظام ها به این شکل کارگزاران مورد مطالعه با توجه به زمینه و شرایط کنونی موجود در کشور ما در واقع به نوعی انگاره در حال گذار معتقد می باشند. در هر حال در مجموع نگرش کلی نسبت به مدیریت تلفیقی نوین توسعه پایدار مراتع در بین کارگزاران ترویج مساعد می باشد. به نحوی که ۷۵ درصد نظر مساعد و ۷/۸ درصد نیز نظر کاملاً مساعدی ابراز داشته اند و تنها ۱۷/۲ درصد نظر ممتنع داشته اند. با توجه به شاخص های گرایش به مرکز و پراکندگی محاسبه شده جامعه مورد مطالعه از این حیث تقریباً نرمال می باشد.

۳- نظرات کارگزاران اجرایی پیرامون معرف های زیرنظام های نظام مدیریت توسعه پایدار مراتع

در جدول (۴) نظرات کارگزاران اجرایی پیرامون معرف های زیرنظام های مدیریت توسعه پایدار مراتع آمده است.

الف) زیر نظام طبیعی

چنانچه در جدول (۴) ملاحظه می شود ۹۸/۵ درصد کارگزاران اجرایی با گویه «تلاش در حفظ شرایط پایدار مراتع و پایداری روابط اکولوژیکی در مراتع» به عنوان معرف انگاره نوین مدیریت تلفیقی در این زیرنظام موافق و کاملاً موافقند. در حالی که در معرف هم نسخه در انگاره سنتی یعنی «ماکزیم سازی تولید از مراتع در راستای اهداف اقتصادی» این میزان موافقت به ۵۲ درصد کاهش یافته است. همچنین در معرف دیگر این زیرنظام یعنی گویه «مدیریت توسعه پایدار باید مبتنی بر ارزیابی ابعاد زیست محیطی و اجتماعی باش» که درحوزه انگاره نوین مطرح است ۹۰/۹ درصد اعلام موافقت کرده اند. لیکن در گویه «توجهات زیست محیطی نظیر حفاظت خاک به منظور حداکثر کردن برون داد سیستم» به عنوان معرف انگاره سنتی ۷۲ درصد موافق بوده اند.

جدول (۴): توزیع افراد بر حسب میزان موافقت با معرف‌های زیرنظام‌های نظام مدیریت توسعه پایدار مرتع

اولویت	آغراف معیار	میانگین	خیلی زیاد	زیاد	ناحدهی	کم	زیاد	متغیر
۱	۰/۵۱۳	۴/۶۴	۶۶/۲	۳۲/۳	۱/۵	۰	۰	تلاش در حفظ شرایط پایدار مراتع و پایداری روابط اکولوژیکی در مراتع
۲	۰/۶۵۵	۴/۴	۵۰	۴۰/۹	۹/۱	۰	۰	مدیریت توسعه پایدار باید مبتنی بر ارزیابی ابعاد زیست محیطی و اجتماعی باشد
۳	۰/۶۳۱	۴/۳	۳۷/۹	۵۶/۱	۴/۵	۱/۵	۰	فن‌آوری می‌تواند حاصل از تلفیق دانش بومی و نوین در بطن جامعه باشد
۴	۰/۷۳۹	۴/۱۵	۳۲/۸	۵۳/۱	۱۰/۹	۳/۱	۰	برنامه ریزی، اجرا و ارزیابی طرح‌ها به صورت مشارکتی
۵	۰/۹۳۲	۳/۹۸	۳۰/۶	۴۵/۲	۱۹/۴	۱/۶	۳/۲	تمرکززدایی به همراه ایجاد هماهنگی و ارتباط اثربخش بین بخش‌های مختلف سازمان کار
۶	۱/۰۲	۳/۹۶	۳۶/۴	۳۶/۴	۱۶/۷	۹/۱	۱/۵	توجهات زیست محیطی نظیر حفاظت خاک به منظور حداکثرسازی برون‌داد سیستم (حفظ آب و خاک به نیت بهره برداری بیشتر)
۷	۱/۰۱	۳/۷۷	۲۶/۲	۳۶/۹	۲۷/۷	۶/۲	۳/۱	مدیریت انطباق‌پذیر با تأکید بر عدالت اجتماعی
۸	۰/۷۹	۳/۵۳	۱۰	۴۰	۴۵	۳/۳	۱/۷	ارائه فن‌آوری از طریق فرایند تسهیل‌گری (روش‌های مخاطب‌مدار و مشارکتی)
۹	۱/۳۸	۳/۵۲	۲۹/۲	۳۲/۸	۹/۲	۱۵/۴	۱۲/۳	هدف اصلی توسعه مراتع کاهش فقر و توسعه جامعه انسانی بهره بردار است
۱۰	۱/۲۷	۳/۳	۲۰	۳۲/۳	۱۳/۸	۲۶/۲	۷/۷	ماکزیمم سازی تولید از مراتع در راستای اهداف اقتصادی

۱۱	۰/۶۸۴	۳/۱۵	۱/۷	۲۵	۶۱/۷	۱۰	۱/۷	ارائه فن‌آوری از طریق مدل خطی انتقال فن‌آوری (روش‌های ترویجی متداول)
۱۲	۰/۹۳۷	۲/۶۷	۴/۶	۱۲/۳	۳۵/۶	۴۱/۵	۶/۲	فن‌آوری صرفاً حاصل دانش نوین است
۱۳	۱/۰۲۵	۲/۵۴	۳/۳	۱۴/۸	۲۹/۵	۳۷/۷	۱۴/۵	توزیع منابع سرمایه‌ای بدون در نظرگیری اصل برابری بین افراد ذینفع
۱۴	۱/۱۲۴	۲/۴۲	۳/۱	۱۷/۲	۲۱/۹	۳۴/۴	۲۳/۴	تعدد مؤسسات درگیر در توسعه پایدار مراتع با مسئولیت‌ها مقطعی و بخشی
۱۵	۱/۰۸۴	۱/۵۱ ۲	۳	۱۰/۶	۱۶/۷	۳۷/۹	۳۱/۸	هدف اصلی از برنامه‌های مربوط به توسعه مرتع کسب سود بیشتر است
۱۶	۱/۱۵۳	۱/۸۴	۶/۹	۶/۱	۴/۵	۳۳/۲	۵۰	برنامه ریزی، اجرا، ارزیابی از بالا به پایین بدون در نظرگیری نظرات کارشناسان محلی

ب) زیرنظام سیاسی - مدیریتی

در معرف‌های زیرنظام سیاسی - مدیریتی نیز حدود ۸۶ درصد کارگزاران اجرایی با گویه «برنامه ریزی، اجرا و ارزیابی طرح‌ها به صورت مشارکتی» به عنوان معرف انگاره نوین موافقت کرده‌اند. در حالی که در گویه هم‌نسخ یعنی «برنامه ریزی، اجرا» ارزیابی از بالا به پایین بدون در نظرگیری نظرات کارشناسان محلی» که در انگاره سنتی مطرح است، بیش از ۸۳ درصد اعلام مخالفت نموده‌اند. در معرف دیگر این زیرنظام یعنی «تمرکززدایی به همراه ایجاد هماهنگی و ارتباط اثربخش بین بخش‌های مختلف سازمان کار» به عنوان معرف انگاره نوین، ۷۵/۸ درصد اعلام موافقت کرده‌اند. در حالی که در معرف هم‌نسخ در انگاره سنتی یعنی «تعدد مؤسسات درگیر در توسعه پایدار مراتع با مسئولیت‌های مقطعی و بخشی» ۶۷/۸ درصد اعلام مخالفت کرده‌اند.

ج) زیرنظام اجتماعی

در زیرنظام اجتماعی نیز گویه «هدف اصلی توسعه مراتع کاهش فقر و توسعه جامعه انسانی بهره بردار است» به‌عنوان یکی از معرف‌های انگاره نوین در این زیرنظام مطرح شد که ۶۲ درصد کارگزاران اجرایی با آن اعلام موافقت کردند. در حالی که در معرف هم‌نسخ در انگاره سنتی یعنی «هدف اصلی از برنامه‌های مربوط به توسعه مرتع کسب سود بیشتر است» حدود ۷۰ درصد اعلام مخالفت صریح نموده‌اند.

در دیگر معرف این زیر نظام گویه «مدیریت انطباق پذیر با تأکید بر عدالت اجتماعی» به عنوان معرف انگاره نوین مدنظر قرار گرفت که ۶۳ درصد کارگزاران اجرایی با آن موافق بودند. در حالی که در معرف هم نسخ در انگاره سنتی با گویه «توزیع منابع سرمایه‌ای بدون در نظرگیری اصل برابری بین افراد ذینفع» تنها ۱۸ درصد موافق بودند.

د) زیرنظام فناوری

در زیرنظام فناوری نیز دو معرف در هر انگاره مدنظر قرار گرفت. چنانچه ملاحظه می‌شود با گویه «فن‌آوری می‌تواند حاصل تلفیق دانش بومی و نوین در بطن جامعه باشد» به عنوان معرف انگاره نوین بیش از ۹۴ درصد اعلام موافقت کردند. در حالی که در گویه هم نسخ در انگاره سنتی یعنی «فن‌آوری صرفاً حاصل دانش نوین است» تنها حدود ۱۷ درصد اعلام موافقت کرده اند.

همچنین در دیگر معرف این زیرنظام گویه ارائه فن‌آوری از طریق فرایند تسهیل‌گری (روش‌های مخاطب مدار و مشارکتی) به عنوان معرف انگاره نوین موافقت ۵۰ درصد کارگزاران اجرایی را به خود جلب کرد که با توجه به این که این معرف بیشتر در حوزه فعالیت‌های ترویجی مطرح است، رقم قابل توجهی به حساب می‌آید. این در حالی است که با گویه «ارائه فن‌آوری از طریق مدل خطی انتقال تکنولوژی» به عنوان معرف انگاره سنتی تنها ۲۶/۷ درصد اعلام موافقت کرده اند. نهایتاً می‌توان گفت کارگزاران اجرایی نیز همانند کارگزاران ترویجی به نوعی انگاره در حال گذار متمایل به انگاره نوین مدیریت تلفیقی منابع معتقد می‌باشند.

در مجموع می‌توان گفت نگرش کلی نسبت به مدیریت تلفیقی نوین توسعه پایدار مراعات در بین کارگزاران اجرایی مساعد می‌باشد. به نحوی که ۸۰/۶ درصد پاسخگویان دارای نگرش کلی مساعد، ۴/۵ درصد کاملاً مساعد و تنها ۱۴/۹ درصد دارای نظر ممتنع می‌باشند. با توجه به شاخص‌های گرایش به مرکز و پراکندگی محاسبه شده، جامعه مورد مطالعه از این حیث تقریباً نرمال و همگن می‌باشد.

تحلیل استنباطی داده‌ها (مقایسه میانگین‌ها)

از آنجایی که حداقل یکی از متغیرهای تحقیق در هر فرضیه در مقیاس رتبه ای سنجیده شده است، لذا برای مقایسه میانگین گروه‌ها از آزمون کروسکال والیس برای مقایسه چند گروه استفاده شده است. جدول شماره (۵) نتایج حاصل از آزمون‌های فوق را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۵): نتایج آزمون مقایسه میانگین‌ها

شماره فرضیه	آزمون مورد استفاده	شاخص محاسبه شده آزمون	P
۱	کروسکال والیس	$\chi^2 = 7/277$	۰/۰۲۶
۲	کروسکال والیس	$\chi = 11/447$	۰/۰۰۳
۳	کروسکال والیس	$\chi = 1/152$	۰/۵۶۲
۴	کروسکال والیس	$\chi = 3/336$	۰/۱۸۹

۱- مقایسه میانگین نگرش کنشگران مختلف نسبت به زیرنظام طبیعی مدیریت توسعه پایدار مراتع مقایسه میانگین نگرش کنشگران در زیرنظام‌های کارگزاران ترویجی، محققان و کارگزاران اجرایی نسبت به زیرنظام طبیعی مدیریت جامع توسعه پایدار با استفاده از تجزیه واریانس یک طرفه کروسکال والیس انجام پذیرفت. در این مورد ($\chi^2 = 7/277$ و $P = 0/026$) به دست آمد. در نتیجه با اطمینان بیش از ۹۷ درصد می‌توان چنین اظهار کرد که بین نگرش کنشگران سه گانه فوق نسبت به زیرنظام طبیعی مدیریت جامع توسعه پایدار تفاوت معنی داری وجود دارد. مقایسه انجام گرفته در این خصوص نشان‌دهنده آن است که مساعدترین نگرش مربوط به محققان، پس از آن کارگزاران اجرایی و نهایتاً کارگزاران ترویجی می‌باشد.

۲- مقایسه میانگین نگرش کنشگران مختلف نسبت به زیرنظام "سیاسی مدیریتی" مدیریت جامع توسعه پایدار مراتع میانگین نگرش کنشگران سه گانه (محققان، کارگزاران اجرایی و کارگزاران ترویجی) نسبت به زیرنظام سیاسی - مدیریتی، با استفاده از آزمون تجزیه واریانس یک طرفه (کروسکال والیس) انجام گرفت. ($\chi^2 = 11/447$ و $P = 0/003$) در نتیجه می‌توان بین نگرش کنشگران مزبور نسبت به زیرنظام سیاسی - مدیریتی با اطمینان ۹۹ درصد تفاوت معنی داری وجود دارد. به نحوی که کارگزاران اجرایی دارای مساعدترین نگرش، محققان در مرتبه دوم و کارگزاران ترویجی نیز در مرتبه سوم از این حیث قرار دارند.

۳- مقایسه نگرش کنشگران مختلف نسبت به زیرنظام اجتماعی مدیریت جامع توسعه پایدار مراتع استفاده از آزمون تجزیه واریانس یک طرفه کروسکال والیس نشان داد که نگرش کارگزاران اجرایی، ترویجی و محققان نسبت به زیرنظام اجتماعی مدیریت جامع توسعه پایدار از لحاظ آماری تفاوت معنی داری وجود ندارد و نگرش آنها تقریباً یکسان می‌باشد.

۴- مقایسه نگرش کنشگران مختلف نسبت به زیرنظام فن‌آوری مدیریت جامع توسعه پایدار مراتع مقادیر محاسبه شده در این خصوص ($F = ۳/۳۳۶$ و $P = ۰/۱۸۹$) بیانگر آن است که کارگزاران اجرایی، ترویجی و محققان از نظر نگرش نسبت به زیرنظام فن‌آوری باهم اختلاف معنی‌داری ندارند و از نگرش مشابهی برخوردارند.

تحلیل رگرسیون

در مرحله اخیر به منظور تعیین درجه تأثیر ۲۲ متغیر مستقل بر متغیر وابسته تحقیق از تحلیل رگرسیون چند متغیری به روش پس‌رونده استفاده شد. بر این اساس معادله رگرسیونی در این تحقیق در ۱۴ مرحله پیگیری شد متغیرهای موردنظر در تحلیل رگرسیون به شرح ذیل می‌باشند متغیر وابسته مورد بررسی «نگرش نسبت به مدیریت جامع توسعه پایدار مراتع» و متغیرهای مستقل نیز شامل سن؛ سطح تحصیلات؛ سابقه کار پژوهش؛

سابقه کار اجرایی؛ سابقه کار ترویجی؛ ارزیابی توان کارگزاران ترویجی؛ ارزیابی توان کارگزاران اجرایی؛ توان محققان؛ ارزیابی توان به‌ر برداران؛ تعداد محققان موجود در شبکه فردی؛ تعداد کارگزاران اجرایی موجود در شبکه فردی؛ تعداد کارگزاران ترویجی موجود در شبکه فردی؛ نگرش نسبت محققان؛ نگرش نسبت به کارگزاران اجرایی؛ نگرش نسبت به کارگزاران ترویجی؛ نگرش نسبت به بهره‌برداران؛ میزان اعتقاد به تأثیر عامل «جو ارتباطی مطلوب برای کنشگری ادرازی» در دستیابی به اهداف مدیریت جامع توسعه پایدار مراتع؛ میزان اعتقاد به تأثیر عامل «کنشگری میدانی» در دستیابی به اهداف مدیریت جامع توسعه پایدار مراتع؛ میزان اعتقاد به تأثیر عامل «تفاهم و تعامل کنشگری توسعه پایدار» در دستیابی به اهداف توسعه پایدار مراتع؛ میزان اعتقاد به تأثیر عامل «سازگار سازی کنشگران» در دستیابی به اهداف مدیریت جامع توسعه پایدار مراتع؛ تعداد طرح‌های تحقیقی انجام شده توسط محققان؛ تعداد طرح‌های تحقیق - ترویجی نتایج حاصل از انجام رگرسیون چند متغیری در جدول (۶) ارائه شده است.

ضریب تعیین محاسبه شده (۰/۶۷) بیانگر آن است که ۸ متغیر موجود در معادله با هم ۶۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته (نگرش نسبت به توسعه پایدار مراتع) را تبیین می‌کنند. در این میان متغیر «سن» بیشترین نقش (منفی) را داراست. کمترین نقش نیز مربوط به متغیر «کل کارگزاران اجرایی موجود در شبکه فردی» می‌باشد. ضریب تعدیل شده که بیانگر ضریب تعیین در جامعه کل می‌باشد نیز برابر ۰/۵۸۳ محاسبه شده است. معادل ریاضی رابطه متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته به صورت زیر می‌باشد.

$$X7 + ۰/۲۰۹ X6 + ۰/۲۳۴ X5 + ۰/۴۰۶ X4 + ۰/۴۲۸ X3 + ۰/۵۱۵ X2 + ۰/۹۲۸ X1 + - ۰/۹۸۲ Y = X8 ۰/۲۰۸$$

جدول (۶) نتایج حاصل از انجام رگرسیون چند متغیری

ضریب همبستگی چند گانه = ۰/۸۱۹

مجذور ضریب همبستگی = ۰/۶۷

مجذور ضریب همبستگی تعدیل شده = ۰/۵۸۲

اشتباه استاندارد = ۰/۵۰۹

آنالیز واریانس	درجه آزادی	مجموع مربعات	میانگین مربعات
رگرسیون	۸	۱۳۱۳/۷	۱/۹۷۷
باقیمانده	۱۳۰	۷/۷۷۶	۰/۲۵۹

----- متغیرهای وارد شده در معادله (مرحله چهاردهم) -----

SigT	T	Beta	EB	B	
۰/۰۰۱	-۳/۸۹۴	-۰/۹۸۲	۰/۱۲۹	-۰/۵۰۴	سن
۰/۰۰۱	۳/۵۶۷	۰/۹۲۸	۰/۱۱۷	۰/۴۱۹	سابقه کار اداری
۰/۰۰۱	۴/۲۹	۰/۵۱۵	۰/۱۰۵	۰/۴۴۹	ارزیابی توان کارگزاران اجرایی
۰/۰۰۱	۳/۶۵۷	۰/۴۲۸	۰/۰۹۶	۰/۳۵	ارزیابی توان بهره برداران
۰/۰۰۷	۱/۸۲۷	۰/۲۰۹	۰/۰۵۸	۰/۱۰۷	کل کارگزاران ترویجی موجود در شبکه فردی کنشگران
۰/۰۰۱	۳/۷۲۳	۰/۴۰۶	۰/۱۰۸	۰/۴۰۳	میانگین نگرش نسبت به کارگزاران اجرایی
۰/۰۰۹	۱/۷۰۸	۰/۲۰۸	۰/۱۰۳	۰/۲۶۱	میزان اعتقاد به تأثیر «جو ارتباطی مطلوب برای کنشگری اداری» (۱)
۰/۰۰۸	۱/۷۸	۰/۲۳۴	۰/۲۰۶	۰/۳۶۷	میزان اعتقاد به تأثیر عامل کنشگری میدانی (۲)
۰/۰۰۱	۴		۳/۳۵	۳/۷۰۵	مقدار ثابت

تحلیل مسیر

تحلیل مسیر شکلی از تحلیل رگرسیون کاربردی است که در آن برای هدایت موضوع یا آزمون فرضیه‌های پیچیده از نمودارهای مسیر استفاده می‌شود. (منصورفر ۱۳۷۷) به این دلیل از تحلیل مسیر استفاده شد که بتوان به ساز و کار رابطه متغیرها بریکدیگر پی برد. با استفاده از این روش اثرهای مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته محاسبه شد. برای انجام این کار از نرم افزار PATH2 استفاده شده است و نتایج به شرح زیر ارائه می‌شود. جدول (۷)

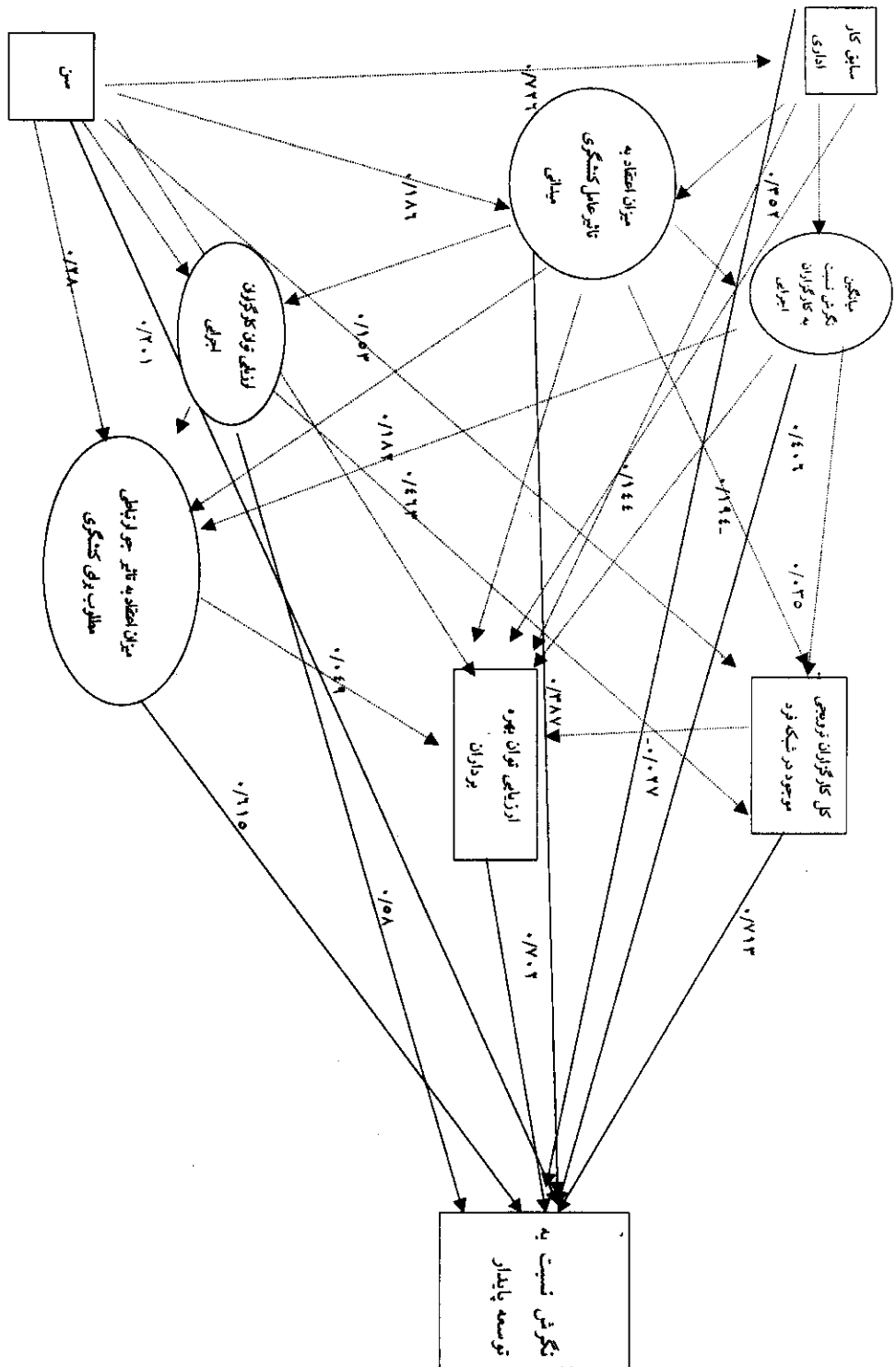
جدول (۷) اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقیم بر متغیر وابسته نگرش نسبت به مدیریت جامع توسعه پایدار مراتع حاصل از تحلیل مسیر

متغیر	سن	سابقه کار اجرایی	ارزیابی توان کارگزاران اجرایی	ارزیابی توان بهره برداران	کل کارگزاران ترویجی موجود در شبکه	میانگین نگرش نسبت به کارگزاران اجرایی	عامل ۱	عامل ۲	کل اثر علی
سن	-۰/۹۸*	۰/۷۲۶	۰/۰	۰/۰۲۳	۰/۱۵۳	۰/۰۴۷	-۰/۰۴۶	۰/۱۸۶	۰/۲۰۱
سابقه کار اجرایی	-۰/۵۰۶	۰/۹۲۶*	-۰/۰۰۱	-۰/۰۳۲	-۰/۰۳	۰/۰۳۲	-۰/۱۰۹	۰/۰۷۲	۰/۳۵۲
ارزیابی توان کارگزاران اجرایی	-۰/۰۰۲	۰/۰۲۶	۰/۵۱۵*	-۰/۰۵۶	۰/۰۶۵	۰/۰۳۱	-۰/۰۶۹	۰/۰۸۳	
ارزیابی توان بهره برداران	۰/۰۷۹	۰/۱۴۴	-۰/۰۰۱	۰/۴۲۵*	-۰/۰۲۷	۰/۰۳۴	۰/۰۴۹	۰/۰۹۷	۰/۷۰۲
کل کارگزاران ترویجی موجود در شبکه	۰/۳۵۳	۰/۱۰۴	-۰/۰۰۱	-۰/۰۱۸	۰/۲۰۶*	-۰/۰۳۵	-۰/۰۷۳	۰/۰۷۱	۰/۷۱۳
میانگین نگرش نسبت به کارگزاران اجرایی	-۰/۲۳۲	۰/۲۲۹	-۰/۰۰۱	-۰/۰۴۹	-۰/۰۷۴	۰/۴۰۴*	-۰/۰۵۷	۰/۱۸۶	۰/۴۰۶
عامل ۱	-۰/۱۳۴	۰/۴۶۳	-۰/۰۰۱	-۰/۰۴۲	-۰/۱۹۴	۰/۰۳۴	۰/۲۰۲*	۰/۱۸۳	۰/۶۱۵
عامل ۲	-۰/۲۳۹	۰/۱۳۳	-۰/۰۰۱	-۰/۰۳۷	۰-۱/۰۴	۰/۰۴۹	۰/۲۸	۰/۲۳۳*	۰/۳۸۷

۰/۵۵۱ اثر باقی مانده

*اثرات مستقیم

جدول فوق اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل که در معادله رگرسیون وارد شده بودند را بر متغیر وابسته (نگرش نسبت به مدیریت جامع توسعه پایدار مراتع) نشان می‌دهد. کمیت خطا اثر عوامل ناشناخته (عواملی غیر از متغیرهای وارد شده در رگرسیون) را نشان می‌دهد روند تأثیرگذاری متغیرهای مستقل فوق (مستقیم و غیرمستقیم) بر متغیر وابسته در نمودار (۱) به نحو دیگری آمده است. به دلیل تراکم زیاد اعداد تنها به ذکر اثرات مستقیم بر روی نمودار اکتفا شده است. اثرات غیرمستقیم و کل اثرات علی در داخل جدول به تفکیک آورده شده است



نمودار ۱: تحلیل مسیر سازه‌های مؤثر بر نگرش کارگزاران دولتی نسبت به مدیریت توسعه پایدار مراعات

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پیش از این رهیافت مدیریت تلفیقی (جامع) توسعه پایدار مراتع مطرح گردید که ضمن اینکه ابعاد مختلفی را در برمی‌گیرد، کنشگران بر بعد یا ابعاد خاصی از ابعاد چند گانه مدیریت تلفیقی تأکید بیشتری دارند. نتایج تحقیق حاضر نشان دهنده آن است که کنشگران مورد مطالعه در دو زیر نظام اجتماعی و فنی مدیریت جامع توسعه پایدار مراتع با یکدیگر اختلاف نظر معناداری ندارند لیکن در دو زیر نظام طبیعی و زیر نظام سیاسی - مدیریتی با یکدیگر تفاوت نظر معناداری دارند که همین امر سبب شده از نگرش کلی یکسانی نسبت به مدیریت جامع توسعه پایدار برخوردار نباشند. به نحوی که مساعدترین نگرش نسبت به مدیریت تلفیقی توسعه مراتع به ترتیب مربوط به کنشگران زیر شبکه اجرایی، محققان و نهایتاً کارگزاران ترویج باشد. ضمن اینکه در زیر نظام طبیعی نیز همین رویه حاکم است. در زیر نظام دیگر اختلاف معناداری وجود دارد.

بر این اساس ضرورت دارد در حد امکان با فراهم آوردن فرصت‌های مقتضی نسبت به ایجاد تفاهم بیشتر در بین کنشگران مورد مطالعه در زیر نظام‌هایی که محل اختلاف هستند اقدام لازم به عمل آورد و با ایجاد تعاملات اقناعی به تعدیل نگرش‌ها در این خصوص اقدام نمود.

همچنین در پژوهش حاضر به منظور تعیین دیدگاه‌های کنشگران در زیر شبکه‌های ترویج، تحقیق و اجرا پیرامون دو انگاره مطرح در زمینه مدیریت توسعه پایدار عرصه‌های مرتعی (انگاره سنتی و انگاره نوین مدیریت جامع) شاخص‌های اساسی هر دو انگاره در زیر نظام‌های چهارگانه فنی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی - مدیریتی به کنشگران مورد مطالعه عرضه شد. نتایج حاصل حاکی از آن است که کنشگران در هر سه زیر شبکه با وجود گرایش کلی به انگاره نوین مدیریت جامع توسعه پایدار مراتع، هیچکدام، انگاره سنتی مدیریت توسعه مراتع نیز به طور کامل نفی نکرده‌اند. از دلایل عمده این امر عدم تطبیق کامل شاخص‌های انگاره نوین با وضعیت فعلی مراتع و بهره برداران کنونی می‌باشد. به عبارت بهتر کنشگران در هر سه زیر شبکه قایل به نوعی انگاره در حال گذار از انگاره سنتی به انگاره نوین می‌باشند. در مصاحبه‌های به عمل آمده با برخی از کنشگران مورد مطالعه، استنادات بر این نکته بود که در وضعیت کنونی جامعه بهره بردار و عرصه‌های مرتعی کشور، شرایط جهت اعمال کامل ابعاد مختلف انگاره مدیریت نوین به صورت کامل مهیا نیست. لذا اگر بخواهیم تعدیلی در انگاره مدیریت جامع توسعه پایدار مراتع به عمل آوریم می‌بایست تأکید بیشتری بر ابعاد اجتماعی، سیاسی - مدیریتی اقتصادی با در نظر گرفتن شرایط جامعه کنونی بهره بردار و فضای کلی کشور (از حیث مشکلات بیکاری و...) داشته باشیم.

- به منظور آشنا سازی هر چه بیشتر کنشگران زیر شبکه‌های سه گانه با اهداف، رسالت‌ها و وظایف یکدیگر و کمک به ایجاد جو تفاهم بیشتر و بهبود نگرش‌ها نسبت به سایر کنشگران، پیشنهاد

می‌شود در سطوح مختلف (ملی، استانی و شهرستان‌ها) نسبت به برگزاری نشست‌های دوره‌ای مشترک و نیز بازدیدهای مشترک و فعالیتهای فوق برنامه مشترک برای کنشگران سه زیرشبکه اقدام به عمل آید. این امر می‌تواند با سایر کنشگران مرتبط نظیر کارگزارانی که در سازمان محیط زیست فعالیت می‌کند نیز به کار گرفته شود. در این زمینه تشکیل انجمن کارگزاران توسعه پایدار مراتع و یا یک NGO با عضویت کنشگران زیر شبکه‌های مورد بررسی در خارج از وقت اداری می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

- به منظور ایجاد پل‌های ارتباطی بیشتر بین کنشگران زیر شبکه‌های مورد مطالعه، پیشنهاد می‌شود تسهیلات بیشتری برای جابجایی و انتقال کارشناسان واجد شرایط داوطلب در بین این سه زیر شبکه پیش بینی گردد.

- به منظور بهبود نگرش کنشگران دولتی به ویژه در دو زیر شبکه تحقیق و اجرا نسبت به بهره برداران، پیشنهاد می‌شود جلسات مشترکی با نمایندگان بهره برداران در محل عرصه به صورت مدون و در قالب رهیافت‌های مشارکتی ترویج برگزار گردد تا از نزدیک مسایل و مشکلات و محدودیت‌های طرفین مورد بررسی قرار گرفته و حس همدلی بیشتری از این رهگذر فراهم آید.

فهرست منابع

- منصورفر (۱۳۷۵) جزوه درس آمار پیشرفته دوره دکتری دانشکده کشاورزی؛ دانشگاه تهران
- هرسی پال، کنت بلانچارد. (۱۳۷۷). مدیریت رفتار سازمانی، ترجمه علی علاقه‌بند، انتشارات امیرکبیر.
- Agrawal. A. (1997)., *Community in conservation: Beyond Enchantment and Disenchantment :conservation and development forum discussion paper, gainsule, (Florida, USA).*
- Armitag, a. (1995) *towards green villages center for science and environment ,new delhi*
- Borrini, Grazia et al. (2000). *Co management of natural resource. Deutsche gesell schaft fur technische zusammenarbeit (GTZ) GHbH.*
- Bellam, jennifer. A. (1999). *Evaluation integrated resources management. Socity and natural resources, vol 121(4), pp 337. 17p.*
- Cvanclay, p. j. and m. Lawrence and a. Margerum (1995)*Grass roots environmental action Routledge ,London and new york.*
- Farvar, M. T., (1999). *Community funds for sustainable development at the africa 2009 training programme for managers of cultural hertge sites, ICCROM, Mombasa (Renta).*
- Fontowrz, A. & s. s. ravet.,(1990)*co-management of resource hn srilanka : stutus , issues and apportunities, NAREPP/IRG report, colombo*

- Holling C. S. (ed). (1986). *Adaptive environmental assessment and management*, John Wiley and Sons, London.
- Scott, J. S. (1997). *Weapons of the weak. Every day forms of peasant resistance*, Yale University Press, New Haven and London.
- Long, N. (1990). *Reflection on agency, order, the future and planning*, Wageningen, Pudoc.
- Mitchell, B. and I. Hollick (1993). *Integrated resource management*, *Journal of Environmental Planning and Management*, 39(1).
- Taylor, B (1998)., *An introductory guide to adaptive management*, Ministry of Forests, Canada, <http://www.for.gov.bc.ca/foamhome/introyal/doc.htm>.